

پژوهش‌های اسلامی خاورشناسان (علمی - تخصصی)

سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵

صص: ۸۹-۱۱۶

نقد محتوایی و روشی مادلونگ در مورد ریشه‌های اختلاف منزلت زن در فقه شیعه و اهل سنت با تمرکز بر مقاله «نگرش شیعه به زن در آینه فقه»

ناهید طیبی^۱

چکیده

پژوهش پیش رو با استفاده از منابع تاریخی، روایی و فقهی و به روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش است که چه نقدهایی بر محتوا و روش مادلونگ در مقاله «نگرش شیعه به زن در آینه فقه» وارد است. در این نوشتار، نخست دیدگاه و مستندات مادلونگ بیان شده و در ضمن آن، برای نقد محتوا به ارزیابی سندی و دلالتی مستندات روایی و تاریخی پرداخته و سپس نقد روشی صورت بندی شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، گرچه مادلونگ منزلت زن در فقه امامیه را بالاتر از اهل سنت می‌داند، اختلافات را برخاسته از نگرش مثبت شیعه به زن ندانسته، بلکه حاصل گرایش شیعه به جایگاه فاطمه (س) و حق خلافت علی (ع) و مخالفت تاریخی با خلیفه دوم می‌داند. به لحاظ محتوا نادیده گرفتن نظام کلامی شیعه، رویکرد صرف تاریخی به آموزه‌های فقه شیعه و بی‌توجهی به مستندات فقها در مباحث فقهی به‌ویژه در عرصه فقه زنان، از نقاط قابل نقد است، اما در این مجال صرفاً به بررسی روش مادلونگ پرداخته می‌شود. نقدهایی چون ارجاع به منابع غیراصیل، برخورد گزینشی در استفاده از منابع، ارائه مطالب بدون استناد و تحلیل‌های متضاد از جمله اشکالات روش مادلونگ در این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: ویلفرد مادلونگ، فقه زنان، منزلت زن، متعه، طلاق بدعی، وراثت، فقه اسلامی، فقه شیعی.

۱- مقدمه

شخصیت و منزلت زن در اسلام و به‌ویژه دیدگاه شیعه نسبت به زن از موضوعات مورد توجه و علاقه مستشرقان است. در این میان، جایگاه زن و ریشه‌یابی اختلافات فقه اهل سنت و فقه شیعی نیز اختلافات درون فرقه‌ای در مورد این مسئله از جمله مسائلی است که ویلفرد مادلونگ^۱، مستشرق شهیر آلمانی در مقاله «نگاه شیعه به زن در آینه فقه» در کانون بررسی قرار داده است. تحقیقات وی به دلیل تخصص و مطالعات شیعی، رجوع به منابع اصیل و معتبر اسلامی و شیعی، توجه خاص به زمینه‌های تاریخی رخدادها و نگاه نظام‌واره به داده‌ها و وقایع تاریخ اسلام، جایگاه مناسبی در مطالعات شیعی دارد. گرچه در دیگر آثار مادلونگ مباحث مربوط به زنان کمتر دیده می‌شود و نمی‌توان وی را متخصص در حوزه زن پژوهی به شمار آورد، به سبب گستره مطالعات فرقه‌شناسی اسلامی و تحلیل‌های تاریخی منحصر به فرد، دیدگاه‌های او درخور توجه است. از دیگر سوی نقد و بررسی این مقاله به دلیل اهمیت موضوع منزلت زنان در فقه شیعی و نیز جایگاه علمی مادلونگ و نبود اثر پژوهشی مستقل با موضوع نگرش شیعه به جایگاه زن از دیدگاه مادلونگ ضرورت دارد.

نوشتار کنونی در پی پاسخ به این پرسش است که ارزیابی مادلونگ از منزلت زنان در فقه شیعه و اهل سنت و تحلیل او در مورد ریشه‌ها و عرصه‌های اختلافات به لحاظ محتوایی و روشی چیست و چگونه نقد می‌شود؟ هدف از ارزیابی دیدگاه مادلونگ افزون بر ترسیم نظرگاهش، ارائه تصویری درست از دیدگاه‌های فقهی شیعه در مورد جایگاه زن است. در این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی پس از تبیین دیدگاه‌های وی درباره اختلافات شیعه و سنی و فرقه‌های درون شیعی نسبت به فقه زنان، خاستگاه این تفاوت‌ها و عرصه‌های ظهور این اختلافات شناسایی شده، سپس مرکز

1. Wilferd Ferdinand Madelung

نقد و بررسی قرار می‌گیرد. مادلونگ با نگاهی برون دینی و رویکرد تاریخی به تبیین جایگاه و منزلت زنان در فقه شیعه پرداخته است. روش تحقیق مادلونگ در مبحث زنان، به ویژه در قلمرو منابع امامیه، باعث برداشت‌های جدید وی از جایگاه زن در نگرش شیعه و ریشه اختلافات فقهی شیعه و اهل سنت شده است.^۱

از آنجاکه مقاله «نگرش شیعه به زن در آینه فقه» نگاشته مادلونگ تاکنون نقد نشده و فقط ترجمه آن موجود است، (قاسمی، ۱۳۸۷: ۲۵۹-۲۷۵) پیشینه خاصی برای نوشتار حاضر وجود ندارد، اما مقالاتی در مورد روش شناسی مادلونگ به چاپ رسیده که در بخش اول مقاله از آن استفاده خواهد شد. رساله دکتری با عنوان «تحلیل روش شناسی مطالعات ویلفرد مادلونگ در حوزه کلام امامیه» نگاشته فاطمه رحمتی که در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه ادیان و مذاهب قم دفاع شد، در بخش روش شناسی مادلونگ پیشینه تحقیق به شمار می‌رود. مقالات «روش شناسی مادلونگ» نگاشته احمد بهشتی مهر و محمود تقی‌زاده داوری که در **فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های فلسفی و کلامی** (سال ۱۵، شماره ۴، ۱۳۹۳) چاپ شده و «بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی» نگاشته همان نویسندگان که در شماره ۶۰ فصلنامه به چاپ رسید نیز نگاهی علمی به روش تحقیق مادلونگ دارد. دکتر احمد بهشتی مهر نقد مبسوطی نیز بر کتاب **جانشینی محمد (ص)** نگاشته که به صورت کتاب چاپ شده است. به سبب اختلاف فقهی شیعه و سنی در طلاق بدعی در مقاله مادلونگ، مقاله «بررسی تطبیقی طلاق بدعی در فقه امامیه و حنفیه: مبانی و راهکارها» نگاشته اسدالله رضایی و حسین رجیبی و رضا اسلامی که سال ۱۳۹۵ در **دوفصلنامه پژوهشنامه مذاهب اسلامی**، دوره سوم، شماره ۶، صفحه ۷۵-۹۵

۱. مقاله مورد نظر حدود دو دهه پیش نگاشته شده است و چون احتمال تغییر دیدگاه با توجه به پژوهش‌های پویای مستشرقان وجود داشت، نگارنده مقاله حاضر در دیدار با پروفسور مادلونگ (اسفند ۱۳۹۶) در قم از دیدگاه فعلی وی در مورد تحلیل‌های مقاله مورد نظر و احیاناً تغییر نظر وی پرسیده و اطمینان یافت که بر همان دیدگاه‌های گذشته خویش باقی مانده است.

چاپ شده است، در پیشبرد بحث راهگشا خواهد بود. شایان ذکر است که تعداد قابل توجهی مقاله علمی پژوهشی در نقد دیدگاه‌های مادلونگ چاپ شده و آرای وی در مورد امامان معصوم مانند امام علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و مسئله خلافت مورد نقد واقع شده، اما هیچ اثری به مسئله مورد نظر در مقاله یادشده و حتی دیدگاه وی در مورد جایگاه زنان در فقه شیعه یافت نشد.

۲- شناسه علمی مادلونگ

ویلفرد مادلونگ (متولد ۱۹۳۰م)، شیعه‌پژوه آلمانی در زمینه مطالعات شیعه‌شناسی و فرقه‌های شیعی به‌ویژه اسماعیلیه آثار ارزشمندی دارد. کتاب **جان‌شینی حضرت محمد (ص)**^۱ از جمله آثار مهم اوست که در جهان تشیع و به‌ویژه ایران با استقبال زیادی مواجه شد. وی استاد تاریخ و عضو ارشد پژوهشی مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن بوده و به سبب رساله دکتری با عنوان «تاریخ فاطمیان و اسماعیلیان» به راهنمایی برتولد اشپولدر در تاریخ فرقه اسماعیلیه، تخصص بیشتری دارد.

مادلونگ در قاهره زیر نظر محمد کامل حسین، بسیاری از متون اسماعیلیه و فاطمی را تصحیح کرد^۲ و به نظر می‌رسد حضور در مصر و ارتباط با علمای مصری در شناخت جامع وی از جهان اسلام و چالش‌های فرقه‌ای آن مؤثر بوده است. مادلونگ آثار ارزشمندی در موضوعات مختلف اسلامی و شیعی با رویکرد تاریخی و فرقه‌شناسی تدوین کرده است. نگارش ۱۵ کتاب تألیفی و ۱۶۰ کتاب نقد و بررسی منابع متعدد، ۶۰ مقاله علمی پژوهشی بین‌المللی، ۱۳۰ مقاله دایرةالمعارفی با عناوین شیعه، تشیع و امامت دستاورد فعالیت‌های علمی او است. او با تألیف یا تصحیح حدود ۲۰۰

1. The Succession to Muhammad

۲. مادلونگ از دانشجویان دانشمند سرشناس مصری محمد کامل حسین (۱۹۰۱-۱۹۶۱) بود که بسیاری از متون دوران فاطمیان مصر را در مجموعه «سلسله مخطوطات الفاطمیین» به چاپ رسانده بود.

کتاب و مقاله در نشریات پژوهشی و دایرةالمعارف های متعدد و نیز ۱۶۰ بررسی و نقد و معرفی کتاب در زمینه شناخت اندیشه و تاریخ اسلام و تشیع در سده های میانه نقش مهمی داشته است. مجموعه آثار وی با موضوع شیعه و آرای شیعی بیش از ۳۷۵ مورد است. گفته شده آثار او مجموعه ای از پژوهش های تاریخی، کلامی، فقهی، فرق و مذاهب، شخصیت نگاری و کتاب شناسی است. (ر.ک: محمود تقی زاده داوری و احمد بهشتی مهر، ۱۳۹۳) آثار وی را می توان در سه حوزه تخصصی زیر قرار داد:

نخست: فرق و مذاهب مانند تاریخ امامان زیدیه، شیعه اثنی عشریه، هاشمیات کمیت، شیعه گرایی، تمایلات دینی در ایران اسلامی در دوره نخستین؛
دوم: حوزه پژوهشی منبع و مأخذشناسی مانند کتاب شناسی شیعه، تصحیح رسائل کهن اباضی؛

سوم: مطالعات تاریخی مانند کتاب مهم و جریان ساز **جانشینی محمد (ص)**.

در میان آثار وی مقاله «Shi'i Attitudes Toward Women as Reflected in 'fiqh'» درج شده در کتاب Religious school and sects in medieval Islam به لحاظ موضوع، متفاوت بوده و نکاتی درخور توجه و تأمل تاریخی دارد. این مقاله در کتاب **مکتب ها و فرقه های اسلامی در سده های میانه** با عنوان «نگرش شیعه به زن در آینه فقه» به قلم جواد قاسمی به فارسی ترجمه و در بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی در سال ۱۳۷۵ به چاپ رسید. نوشتار حاضر به نقد این مقاله می پردازد. مادلونگ در مقاله مورد نظر، روش کارش را در سه مرحله می آورد: کاوش در ریشه یابی اختلافات شیعه و سنی، علت یابی پیدایش اختلاف مذکور در فقه شیعه و بحث در مورد آنها و نظام های فقهی شیعه، اعم از امامیه، زیدیه و اسماعیلیه. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸)

۳- مادلونگ و تبیین اختلافات فقهی فرقه‌های اسلامی

مادلونگ در مقاله «نگرش شیعه به زن در آینه فقه» نخست به خاستگاه و ریشه‌های تاریخی اختلافات فقهی شیعه و اهل سنت به طور عام پرداخته سپس در فقه زنان با مطالعه موردی در سه مسئله فقهی، به جایگاه زن و ریشه‌یابی اختلافات فقهی در مباحث زنان در فرقه‌های شیعی می‌پردازد. منظور مادلونگ از فقه شیعی در آثارش، دیدگاه‌های فقهی سه فرقه مهم شیعی؛ امامیه، زیدیه و اسماعیلیه است. وی معتقد است فقه زیدی و اسماعیلی در بسیاری مباحث فقهی و به‌ویژه بحث پیرامون فقه زنان استقلال فکری نداشته و متأثر از الگوهای فقه امامیه بودند، (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۶) اما در موارد اندکی اختلافات احکام این دو فرقه با امامیه دیده می‌شود. وی در مقاله خود از منابع فقهی امامیه به کتاب **الکافی** کلینی و آثار فقهی سید مرتضی و از منابع زیدیه به کتاب **الجامع الکافی** ابوعبدالله علوی که در بردارنده آرای حسن بن یحیی (از اعقاب زید) ارجاع داده (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۳ و ۸۴) و به کتاب **دعائم الاسلام** نوشته قاضی نعمان، تدوین‌کننده فقه اسماعیلیه بسیار ارجاع می‌دهد. پرسش وی این است که تفاوت‌های فقهی تا چه حد دیدگاه متفاوتی از موقعیت زن در مکتب تشیع و تسنن ارائه می‌دهند؟ وی اختلافات فقهی فرقه‌های شیعی را در دو بخش مطرح می‌کند که می‌توان عناوین خاستگاه اختلافات و عرصه‌های اختلاف را بر آن نهاد.

۳-۱- خاستگاه اختلافات شیعه و سنی در مسائل فقهی

مسائل فقهی را در يك نگاه کلی می‌توان به دو بخش مسائل مشترك فقهی و مسائل مختص - مشتمل بر مسائل خاص مردان و مسائل اختصاصی فقهی زنان - تقسیم کرد. مادلونگ در قالب مقدمه نخست به ارائه تصویری کوتاه از فقه شیعه و سنی و اختلاف و تشابه آنها در موضوعات عمومی فقهی پرداخته و سپس خاستگاه اختلاف را

بررسی می‌کند. از نظری توافقی فقهی این دو فرقه اسلامی شیعه و اهل سنت با وجود اختلاف شدید در اصول فقه، شگفت‌انگیز است. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۷۹)

وی در مقاله به دو نمونه بارز از اختلاف فقهی شیعه و اهل سنت، یعنی ذکر «حی علی الفلاح» در اذان و مسح بر کفش (حُقَّین) می‌پردازد. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۰) در بررسی ریشه اختلافات دو فرقه در این دو حکم فقهی، با نگاهی تاریخی گوید اهل سنت «حی علی الفلاح» را به پیروی از خلیفه دوم از اذان برداشتند. به اعتقاد او چون امام باقر (ع) عمر بن خطاب را متهم کرد به بهانه این که مبادا این ذکر مردم را از پیوستن به جهاد بازدارد، آن را از اذان حذف کرد. شیعه برای مقابله با خلیفه دوم، بر ذکر آن در اذان اصرار دارد. در مورد مسح خفین نیز معتقد است اهل تسنن در صدر اسلام به مسح بر روی کفش باور نداشتند، ولی هنگامی که این مسئله به یک موضوع اختلافی شیعه و سنی تبدیل شد مشروعیت آن را پذیرفتند و بالاتر این که آن را شرط ایمان به حساب آورده، انکارش را کُفر دانستند. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۰)

در واقع مادلونگ، اختلاف فقهی در این دو مورد را نمونه و الگویی برای دیگر اختلافات فقهی شیعه و اهل تسنن می‌داند که عموماً بر اساس مبارزه سیاسی و اعتقادی شکل گرفته است. نکته مهم این که تحلیل‌های مادلونگ در ریشه‌یابی اختلافات فقهی شیعه و سنی در فقه زنان، به نوعی با دو مثال بالا شبیه‌سازی می‌شود و گویی این دو نمونه پایه‌های تحلیل‌های وی هستند.

۲-۳- عرصه‌های اختلافات شیعه و سنی در فقه زنان

مادلونگ در این مقاله تفاوت فقهی در بحث زنان را نمایانگر منزلت و جایگاه متفاوت زن در این دو فرقه دانسته و آن را در سه مسئله زیر بررسی می‌کند:

۳-۲-۱- ازدواج موقت

از مسائل اختلافی و چالش برانگیز فقه زنان در فقه شیعه و سنی، ازدواج موقت است. مادلونگ پس از بیان تاریخچه ازدواج موقت در عرب جاهلی، متعه را نوعی ازدواج کم‌اهمیت می‌داند، زیرا زن در متعه مانند کنیز صیغه‌ای است و همسر قانونی نبوده و در شمار چهار همسر رسمی نیست، ارث نمی‌برد و فقط نفقه می‌گیرد. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۰) وی روایتی از امام کاظم (ع) می‌آورد که فرمود: کسی که توان ازدواج ندارد با متعه عفت خویش را حفظ کند و متعه برای فردی که همسر دارد، ولی از او دور است مباح است. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۰) بر پایه تحلیل وی با توجه به روایت یادشده، متعه مطلقاً مباح نیست و در پی شرایطی خاص جایز است.

مادلونگ با تعبیر «نگرش تحقیرآمیز شیعه و سنی نسبت به زن» روایتی با سند ضعیف از کلینی که در بردارنده گفت‌وگوی بین ابوجعفر مؤمن طاق و ابوحنیفه است را می‌آورد. بر اساس این روایت، ابوحنیفه به ابوجعفر گفت: ای ابوجعفر، آیا متعه را حلال می‌دانی؟ گفت: آری. گفت: پس چرا زنان را از این که متعه دیگران شوند و درآمد کسب کنند، باز می‌داری؟ ابوجعفر پاسخ داد: چنین نیست که در هر چیزی شوقی باشد، هر چند در شمار حلال‌هاست. مردم اندازه‌ها و مراتبی دارند و اندازه‌های خود را نگه می‌دارند، ولی به گمان تو آیا نبیذ (شراب خرما) حلال است؟ گفت: آری. گفت: پس چرا زنان را در مغازه‌های شراب‌فروشی قرار نمی‌دهی تا برای تو درآمد کسب کنند؟ ابوحنیفه گفت: یکی در برابر یکی، ولی پاسخ تو محکم‌تر بود. پس از این سخنان ابوحنیفه آیه «سَأَلْ سَائِلٌ» در سوره معارج و روایت پیامبر که دلالت بر نسخ آیه پیشین با این آیه را دارد می‌آورد و ابوجعفر می‌گوید سوره «سَأَلْ سَائِلٌ» مکی است و آیه متعه مدنی است و روایت تو نیز نادر است. (کلینی، ۱۳۶۲: ۴۵۰/۵)

سند این حدیث ضعیف بوده و بر اساس دانش رجالی شیعه، موقوفه است و استناد

به چنین حدیثی از قوت کار مادلونگ می‌کاهد، درحالی‌که از بین هشت روایت موجود در کتاب **کافی** در باب متعه که مورد ارجاع مادلونگ قرار گرفته، هفت مورد قبلی که سند صحیح دارد ذکر نشده و به همین *يك* روایت ضعیف بدون ارزیابی سندی استناد شده است. اگر بر اساس این روایت ضعیف به تفاوت شیعه و سنی پرداخته شود، تحلیل مادلونگ مبنی بر «تمایل شدید به اعاده سنت تثبیت یافته پیامبر و مقابله آنان با بدعت‌های عمر» مخدوش است، زیرا در این گفت‌وگو با آیه و روایت در مورد حرمت و حلیت متعه بحث می‌شود.

به اعتقاد مادلونگ این سنت به طور کلی به ضرر زنان تمام می‌شد و با موقعیت شرعی آنان تناسب نداشت، اما شیعه آن را مبتنی بر قول امام صادق (ع) که نهی عمر بن خطاب را مردود و تغییر دلبخواهی در شرع مقدس و سنت پیامبر دانسته که در زمان ابوبکر هم رواج داشته، پذیرفتند. وی نیز بر این باور است که مشروع ساختن متعه در فقه شیعه به خاطر اختلاف شیعه و سنی در مورد جایگاه زن نیست، بلکه معلول تمایل شدید به اعاده سنت تثبیت یافته پیامبر است. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۰) مادلونگ در آغاز بحث و بدون ارائه دلیل این نتیجه را می‌گیرد.

از نکات شایان توجه این‌که وی بدون استناد به منبع می‌نویسد: پیامبر در زمان حیات خود، متعه را تحریم کرد. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۰) درحالی‌که در روایات صحیحی از منابع اهل سنت به حلیت آن در زمان پیامبر تصریح شده است و جابر بن عبدالله انصاری گوید: «فعلناهما (متعین) مع رسول الله (ص) ثم نهانا عنهما عمر، فلم تعد لهما؛ ما در زمان پیامبر (ص) هر دو متعه را انجام دادیم و عمر آنها را ممنوع کرد و دیگر انجام ندادیم». (مسلم نیشابوری، [بی تا]: ۱۳۱/۴) چون در روایت شانزدهم همین باب از جابر «علی عهد رسول الله» آورده شده، تعبیر «مع رسول الله» می‌تواند دلالت بر دوره رسول خدا داشته باشد. اسماء بنت ابی بکر نیز از انجام متعه در عهد پیامبر خبر

داده (طیالسی، [بی‌تا]: ۲۲۷/۱) و با تعبیر «ما ولدتك الا فی المتعه» می‌گوید فرزندش، عبدالله بن زبیر از متعه است. (الاصفهانی، [بی‌تا]: ۳/۲۱۴)

شاید مادلونگ مطلب نهی متعه در زمان رسول خدا را با توجه به روایات تحریم خوردن گوشت الاغ در خیبر مطرح کرده باشد که در برخی از این روایات تحریم متعه نیز در کنار این حکم قرار داده شده است. زید از علی (ع) نقل می‌کند پیامبر در روز فتح خیبر گوشت الاغ اهلی و متعه را حرام کرد. (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۲/۱۸۶؛ همو، [بی‌تا]: ۱۴۳) در همان مصادری که این روایت آمده، این حکم را حمل بر تقیه کردند، زیرا موافق مذاهب عامه و مخالف شیعه است. (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۷/۲۵)

اما چند اشکال محتوایی در این روایت هست:

نخست، اگر در زمان پیامبر (ص) نسخ شده باشد، چرا خلیفه دوم تحریم می‌کند و نسخ را به پیامبر (ص) نسبت نداد و می‌گوید من دو متعه که در عهد رسول الله جایز بود را نهی کرده و بر آن عقاب می‌کنم؛ آن دو، متعه کردن زنان و متعه حج است؟ (الطحاوی، ۱۳۹۹: ۲/۱۴۶) هرچند فخر رازی در جمع میان نسخ زمان پیامبر (ص) و تحریم توسط خلیفه دوم گوید: ما مجبوریم که این روایت را از ظاهرش برگردانده و بگوییم که نسخ متعه و نهی رسول خدا تنها به عمر رسیده و به دیگر صحابه مانند علی، ابن عباس، ابن مسعود، ابی بن کعب، جابر، سعد بن ابی وقاص نرسیده و اگر چنین نکنیم، لازمه اش اعتقاد به دخل و تصرف عمر در احکام دین و تکفیر وی است. (فخر رازی، ۱۴۲۱: ۱۰/۵۳)

دوم، خوردن گوشت الاغ اهلی در فقه شیعه مکروه است (نجفی، ۱۴۱۲: ۳۶/۲۶۵؛ خمینی، ۱۴۲۶: ۵۵۵) نه حرام، در حالی که در این حدیث، تحریم آن بیان شده و به نظر مخدوش است.

سوم، علمای شیعه (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۲۵۲/۷؛ العاملی، ۱۴۱۴: ۱۲/۲۱) روایت را حمل بر تقیه کردند و بزرگان علمای اهل سنت تحریم متعه در خیبر را قبول ندارند (بخاری، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۶۴۲؛ مسلم نیشابوری، [بی تا]: ۱۰۲۳/۲) و حتی روایتی را که در صحیح بخاری به همین مضمون از امام علی (ع) نقل شده، از اشتباهات زُهری می دانند. (سهیلی، ۱۴۲۱: ۹۹/۷)

چهارم، برخی معتقدند چون در متعه ارث نیست و از سویی در آیه میراث ارث برای همسر وجود دارد، پس آیه مذکور ناسخ حکم متعه است. (کاسانی، ۱۹۸۲: ۲۷۳/۲؛ کلینی، ۱۳۶۷: ۵/۴۵۰) شایان ذکر است که ارث نبردن در متعه مورد اتفاق همه علما و فقها نیست و عده ای از فقهای معاصر مانند آیت الله خوئی و نیز آیت الله اراکی قائل به ارث بردن هستند. (خوئی، ۱۴۱۰: ۲/۲۷۵؛ اراکی، ۱۳۷۱: ۴۴۸)

پنجم، از نظر فقه شیعه در این عقد هرگاه مدت تمام شود، زوجین بدون طلاق از هم جدا می شوند و زن اگر با او آمیزش شده باشد و یائسه هم نباشد، باید عده طلاق نگه دارد و اگر حیض نشود - ولی در سن و سالی است که باید حیض ببیند - باید چهل و پنج روز عده نگه دارد. فرزند چنین ازدواجی (پسریا دختر) از پدر است و به نام او خوانده می شود و او از پدر ارث می برد، کما این که از مادر هم ارث می برد. تمام احکام عمومی که در مورد پدران، فرزندان، مادران و همچنین در مورد برادران، خواهران، عموها و عمه ها وارد شده، در مورد این گروه نیز جاری می شود. تمام مسلمانان اجماع دارند چنین ازدواجی در صدر اسلام تشریح شده است؛ به طوری که هیچ یک از علمای مذاهب اسلامی در این مورد اختلافی ندارند و اختلاف در نسخ و عدم نسخ آن است. (فخر رازی، ۱۴۲۱: ۴۱/۱۰)

۳-۲-۲- طلاق بدعی

یکی دیگر از موردهای مطالعه در مقاله مادلونگ، طلاق بدعی است که شیعه به شدت با آن مخالفت کرده و آن را حرام می‌داند، اما از نظر اهل سنت با وجود بدعت بودن، مجاز است. طلاق بدعی در منابع فقهی در دو نوع بحث شده است؛ طلاق مدخولهُ حائض (با دو مصداق طلاق نفساً و طلاق در طُهرِ مَواقِعِه) و سه طلاقه در یک مجلس و با لفظ واحد. فقهای امامیه هر دو نوع طلاق بدعی را بی‌اعتبار می‌دانند. (شهید ثانی، ۱۴۱۶: ۱۱۹/۹؛ نجفی، ۱۴۱۴: ۲۰۲/۳؛ بحرانی، ۱۴۰۹: ۲۶۵/۲۵) به اعتقاد مادلونگ، فقه شیعه مقررات سخت برای طلاق می‌گذارد، اما فقه اهل سنت چنین نیست و همین مسئله منزلت بهتری برای زن در نگرش شیعه را برمی‌تابد. البته وی در پایان مقاله خود در مورد هر سه موضوع انتخابی می‌گوید: اختلاف شیعه و سنی در حکم، از علایق صرفاً شیعی سرچشمه می‌گیرد و فقهای شیعه به جهت از میان بردن بدعت‌هایی که خلفا آورده بودند، به‌ویژه بدعت‌های خلیفه دوم یعنی عمر بن خطاب، و بازگشت به سنت پیامبر و تمسک به معیارهای اخلاقی قرآن حتی اگر با رسوم متداول جامعه اسلامی معارض باشد، مخالف با فقه اهل سنت است. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۳)

وی با ارجاع به کتاب‌های **الکافی** و **دعائم الاسلام** تأکید می‌کند که ائمه (ع) ظلمی که بر اثر طلاق بدعی بر زن وارد می‌شود را شدیداً محکوم می‌کنند و حتی طلاق السنه را هم تأیید نمی‌کنند، اما فقه اهل سنت گرچه شاید نتوان صریحاً اظهار داشت از نظر اخلاقی محکوم کند، اما هیچ اقدام عملی هم برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها ندارد. در نتیجه طلاق در میان شیعیان نسبت به اهل سنت بسیار کمتر است. حتی در مناطقی که شیعه و سنی در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند به سبب تقلید از شیعیان، طلاق میان پیروان مذهب سنت کمتر از مناطق کاملاً سنی‌نشین است. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۳) مادلونگ با این‌که محکومیت طلاق

بدعی و ظلم نسبت به زنان را به اقوال ائمه (ع) استناد می دهد و ریشه آن را در آموزه های معصومان می داند، در یک چرخش اندیشه ای کامل، اختلاف در این حکم را ناشی از برخوردهای سیاسی و اعتقادی شیعیان با نهادهای سیاسی و امت صدر اسلام دانسته و به این پرسش که «آیا اختلافات فقهی در مورد طلاق حاکی از نگرش شیعه و سنی نسبت به زن است؟» پاسخ منفی داده و می نویسد: «رد کردن اعتبار «طلاق البدعه» از دیدگاه امامیه بیشتر نمایانگر آمادگی مؤسسان آن در بریدن از نهادهای سیاسی امت اسلامی و برخی رسوم اجتماعی آن است تا اتخاذ نگرش متفاوت نسبت به زن». (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۴)

طلاق در فقه امامیه به دو قسمت بدعی و سنت تقسیم شده است که اولی غیر صحیح و دومی صحیح است. طلاق بدعی، طلاقی است که برابر با دستورهای شرع واقع نشود و از نگاه شرع بدعت و حرام به حساب آید. این طلاق در منابع فقهی در دو نوع بحث شده است: الف) طلاق مدخوله حائض با دو مصداق طلاق نفساً و طلاق در طهر موافقه. ب) طلاق سه گانه را معمولاً در مجلس واحد و لفظ واحد می دانند و هر دو نوع آن را فقهای امامیه بی اعتبار و ناصحیح قلمداد می کنند. (العاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۶: ۱۱۹/۹؛ نجفی (صاحب جواهر)، ۱۴۱۲: ۲۰۲/۳؛ بحرانی، ۱۴۰۹: ۲۶۵/۲۵) در فقه حنفی گرچه این طلاق ها بدعت است، آن را جایز و صحیح دانسته اند. (رضوان، ۲۰۰۴: ۱۰۴)

۳-۲-۳- تباین وراثت و عصبیت

مادلونگ در بحث ارث نیز مانند متعه نخست به بحث ارث در عصر جاهلی و جایگاه عصبه و خویشاوندان ذکور در ارث بردن پرداخته و تأکید می کند که قوانین اسلام این امتیاز انحصاری که در ارث به خویشاوند مرد داده می شد، لغو کرده و با تعیین سهم ارث برای خویشاوندان نزدیک، اعم از ذکور و اناث، حق ارث برای زنان قائل شد. البته زنان

نصف مردان ارث می‌بردند و دلیل این تفاوت هم در روایات شیعی ذکر شده و وی به ذکر دو روایت بسنده کرده است. گفتنی است او اختلافات را عموماً قبیله‌ای و درون خانوادگی می‌داند و زید را منشأ انشعاب‌های شیعی معرفی می‌کند. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۴۰۹) گفته می‌شود به اعتقاد وی اهل بیت همان هاشمیان هستند، نه غیر آنان؛ از این روی به همان اندازه که امام حسن (ع) را جانشین پیامبر می‌داند، مأمون عباسی که از هاشمیان است را مُحقّ خلافت می‌داند. (قمرزاده و کرباس‌فروشان، ۱۳۹۳: ۸۴-۱۱۲)

به گفته مادلونگ فقه اهل سنت که ظاهراً از عرف موجود پیروی می‌کرد، سهم ارث مؤنث‌ها از بین ۱۲ سهم مشخص شده در قرآن را تنها تعدیل‌کننده حق اصلی عصبه می‌دانست. ذوالارحام به طور کلی ارث نمی‌بردند، مگر آنکه عصبه‌ای نباشد و بر پایه نظر برخی مکاتب اهل سنت که مادلونگ نامی از آنان نبرده است، اگر هیچ عصبه‌ای وجود نداشت، حتی بیت‌المال و یا ولاء متوفی بر این خویشاوندان (ذوی الارحام) مرجح هستند. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۴)

در نقد این مطلب باید گفت فقه امامیه مقام ممتاز عصبه را مردود دانست «المال للاقرب والعصبه فی قیة التُّراب» (کلینی، ۱۳۶۲: ۷۵/۷) در فقه امامیه نزدیک‌ترین خویشاوندان (مذکر و مؤنث) ارث می‌برند و پس از گزاردن حق وارثانی که در قرآن ذکر شده خویشاوندان ذکور هم‌رتبه خویشاوندان زن، البته دو برابر زنان، ارث می‌برند. علت نصف بودن ارث زنان را امام صادق (ع) عدم شرکت در جهاد، تأمین مالی خانواده و سهم نبودن در پرداخت دیه می‌داند. هسته سخت و مرکزی دیدگاه مادلونگ در مسئله ارث زن در فقه امامیه نیز پیرو همان نظری در طلاق است. نکته مهم این‌که او معتقد است اعتقاد شیعه امامیه به این حق علی (ع) و فاطمه (س) و اعقاب آنان اکنون تفسیر صریح جدیدی از ساختار خانواده مطرح می‌کند که برای زن مقام و جایگاهی بالاتر از آنچه در جامعه اهل سنت داشته، قائل باشند. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۳)

بنابراین، وی جایگاه ویژه حضرت زهرا (س) را عامل اصلی نگرش بهتر شیعه نسبت به زن می‌داند، نه ماهیت آموزه‌های شیعی را. وی در پی تحلیل فوق بار دیگر اشاره می‌کند که بانیان فقه امامیه بیش از علمای سنی مایل به رد روش فقهی موجود در میان امت نخستین اسلام بودند و معیارهای اخلاقی اهل سنت هم مؤید معیارهای اخلاقی فقه امامیه نبود. بر این اساس مخالفت سیاسی و اعتقادی فقهای امامیه با دستگاه حاکمه صدر اسلام و این که تمایل داشتند ضد عرف موجود - که به لحاظ کلامی و اعتقادی (پس از جریان سقیفه و تغییر مسیر خلافت) مورد علاقه آنان نبود - عمل کنند، مایه اختلاف نگرش فقه شیعی و اهل سنت در مسئله ارث زنان شد و نمی‌توان گفت در ذات فقه شیعه نگرش به ارث زنان جایگاهی بالاتر و برتر نسبت به اهل سنت دارد.

ریشه‌یابی مادلونگ از اختلاف شیعه و اهل سنت در ارث تأمل برانگیز است. وی می‌نویسد: «شیعه یک استثنا در مسئله ارث دارد و آن این است که پسرعموی اصلی (پدیری) در ارث بر عموی مادری اولویت دارد،^۱ هر چند طبق قاعده کلی عمو که خویشاوند است باید بر پسرعمو اولویت یابد». (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۳) به اعتقاد وی دلیل یا ریشه این مسئله فقهی غیرمتعارف، وفق دادن آن با این دیدگاه شیعه است که علی (ع) پسرعموی اصلی پیامبر (ص) به آن حضرت نزدیک‌تر از عباس، جد خاندان عباسیان بوده و از این بابت به خلافت سزاوارتر از عباس است. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۳) این بحث در مقاله «سیادت از سوی مادر؛ زمینه‌های اجتماعی پیدایش یک نظر فقهی» توسط حسین مدرسی طباطبایی نیز مطرح شده است. وی این حکم فقهی را حاصل احتجاجات شیعی متقدم با طرفداران عباسیان می‌داند که عباس، عموی پیامبر (ص) را به خاطر قرب نسبی، اولی و احقّ به پیامبر (ص) و میراث او از جمله خلافت می‌دانستند و فرزندان و فرزندزادگان او را جانشینان مشروع

۱. مادلونگ برای این قاعده مستثنا سندی ذکر نکرده است.

پیامبر قلمداد می‌کردند. شیعه از دو طریق، یعنی پسرعموی ابوینی بودن حضرت علی (ع) و فرزندى حقیقی حسنین به پیامبر (ص) استدلال عباسیان را بی اعتبار می‌دانست. (مدرسی طباطبایی، [بی تا]: ۸۱) با دقت در منابع فقهی درمی یابیم که اطلاعات مادلونگ در بخش ارث از فقه امامیه به شدت ناقص است. براساس فقه شیعه عموها، عمه‌ها، دایی‌ها و خاله‌ها و فرزندان آنان در طبقه سوم ارث قرار می‌گیرند و اگر میت، عموی پدری و پسرعموی پدر و مادری داشته باشد و غیر از آنها هم وارثی نداشته باشد،^۱ ارث به پسرعموی پدر و مادری او می‌رسد و عموی پدری ارث نمی‌برد. (نجفی، ۱۴۱۲: ۸/۳۹ و ۹) احکام تقسیم ارث بر مبنای قرآن و روایات تنظیم شده است. مبانی ارث در قرآن عبارت است از تقسیم ارث در میان وراث مادری به صورت تساوی که با استناد به آیه کلاله است: «إِنَّ كَانُوا أَكْثَرًا مِنْ ذَلِك فَهَمَّ شُرَكَاءُ فِي الثَّلَاثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ». (نساء، آیه ۱۲. نیز ر.ک: نساء، آیه ۱۷۶) برادران ابوینی، برادران پدری را از ارث محروم می‌کنند و با وجود کلاله ابوینی، نوبت وراثت به کلاله ابی نمی‌رسد.

امام صادق (ع) فرمود: «اگر بازمانده میتی عموی پدری و پسرعموی پدری و مادری او باشند، تمام اموال از آن پسر عموی پدر و مادری اوست، زیرا او دارای دو کلاله است؛ کلاله پدری و مادری و این مورد طبق اصل و قاعده مانع بودن اقرب از ابعده نیست - هر چند ابعده دارای چند جهت باشد - بلکه این حکم در این مورد به دلیل خبر صحیحی که از ناحیه امامان وارد شده، مسلم است.» (طوسی، [بی تا]: ۱۷۱/۴؛ همو، ۱۳۶۵، ۳۲۶/۹)

همچنین مطابق قاعده «المتقرب بالابوين يحجب المتقرب بالاب» در صورت وجود [کلاله ابوینی یا ابی یا امی] ابی‌ها از اصل ارث به وسیله ابوینی‌ها محروم می‌شوند.

۱. آیات عظام اراکی، خوئی، گلپایگانی، صافی و تبریزی این شرط را ندارند.

عموهای ابوینی، بر اساس قاعده «المتقرب بالابوین یحجب المتقرب بالاب» اعمام ابی را از ارث محروم می‌کنند. حال در صورتی که پسرعمو ابوینی باشد و عمو، ابوی از آنجاکه پسرعمو دارای دو کلاله است؛ کلاله پدری و مادری، در ارث مقدم می‌شود و این به اصطلاح مادلونگ «استثنا» و «مسئله فقهی غیرمتعارف» نه بر اساس خصوصیت‌های تاریخی فقهای شیعه و اهل سنت و مبارزات سیاسی و اعتقادی که بر اساس حکم قرآن صورت گرفته است. حتی با توجه به تعریف کلاله و احکام آن، مسئله مورد نظر، استثنا نیست.

در فقه و حقوق اسلامی و مدنی ایران^۱ که مبتنی بر فقه شیعه است بحث «حجب حرمانی» یا «حجب از اصل ارث» به این معنا که وجود خویشاوندی، خویشاوند دیگر را از اصل ارث بردن محروم کند دارای جایگاهی خاص است. این حالت بر اساس قاعده «الاقرب یمنع الابعد» اعمال می‌شود؛ مانند این که خواهر و برادرهای ابوینی، خواهر و برادرهای ابی را از اصل ارث بردن محروم می‌کنند و همچنین اولاد اخوه ابوینی، اولاد اخوه ابی را از ارث بردن محروم می‌کند. (نجفی، ۱۴۱۲: ۳۹ / ۸ و ۹؛ شریف المرتضی، ۱۴۱۵: ۵۵۷) بنابراین، ارث پسرعموی ابوینی استثنا و غیرمتعارف نیست و مطابق قواعد فقهی و قرآن است و در مثال‌های مذکور نیز هیچ شائبه سیاسی و اعتقادی وجود ندارد.

۴- نقد روشی مادلونگ

روش مادلونگ در آثارش، «تاریخی»^۲ است، گرچه گفته شده در مواردی به روش رانکه پژوهیده و گاه از ملاک‌های روش تاریخ‌نگاری و هم‌چنین ملاک‌های رویکرد رانکه‌ای فاصله گرفته است و گاه نیز بی‌روشی بر آثارش چیره است. (رحمتی، ۱۳۹۷: ۱۳۵)

۱. بر اساس ماده ۹۳۰ قانون مدنی اگر میت اعمام یا احوال ابوینی داشته باشد، اعمام یا احوال ابی ارث نمی‌برند.

2. Historical Method

پژوهش به روش تاریخی عبارت است از بازسازی سیستماتیک و عینی گذشته که از طریق گردآوری، ارزیابی، تعیین صحت و سقم و ترکیب حوادث به منظور اثبات وقایع و تحصیل نتیجه‌ای قابل دفاع صورت می‌گیرد و غالباً بر فرضیه‌ای معین مبتنی است. (ایزاک، استفن و ویلیام. ب. مایکل، ۱۳۷۴: ۵۴) بورگ به نقل از کوهن، روش تاریخی را «تعیین، ارزشیابی و ترکیب منظم و عینی اسناد و مدارک برای برقراری حقایق و ترسیم نتایج درباره رویدادهای گذشته» تعریف کرده است. هدف تحقیق تاریخی، بازسازی گذشته در زمینه فرضیه‌ای است که در زمان حال تدوین می‌شود. (حسن‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۷۲) به عبارتی روش تاریخی، کاربرد روش علمی در مسائل تاریخی با جست‌وجوی منظم در اسناد و منابعی است که مرتبط با سؤال محقق تاریخی است و مادلونگ نیز با استفاده از اسناد و ارزیابی داده‌های موجود به پرسش‌های تاریخی خود پاسخ می‌دهد؛ برای نمونه وی در مقاله، با استفاده از روایات موجود از ائمه (ع) در منابع شیعی مبنی بر حذف «حی علی الفلاح» از اذان توسط عمر بن خطاب و اطلاعات تاریخی مرتبط با مقابله تاریخی شیعه و سنی پاسخ پرسش خویش را می‌یابد و علت اصرار بر آن توسط فقه شیعه را مبارزه با بدعت‌های عمر می‌داند. البته نمی‌توان ادعا کرد که وی در مجموعه پژوهش‌های خود از یک روش بهره برده، اما روشن است که به روش «پدیدارشناسانه» پیش نرفته است. مادلونگ در به‌کارگیری «روش تاریخی» متأثر از مکتب رانکه (مکتب فلسفی آلمانی) بوده و البته ابداعات زیادی را نیز از خود در این مسیر افزوده است. آثار وی صرفاً ذکر رویدادهای گذشته به شکل رخ داده نیست، بلکه بازسازی گذشته است با همان صورتی که اساساً بوده. مادلونگ با بازکاوی امر جزئی به دیدگاهی کلی از رخدادها و شناسایی ارتباط موجود و عینی بین آنها می‌رسد؛ برای نمونه از اتفاقات خرد مانند جعل روایت توسط عایشه به نفع ابوبکر و ابن عباس به نفع امام علی (ع) جهت زمینه‌سازی جانشینی آستانه رحلت پیامبر گرامی (ص) بهره برده و جریان‌های کلی و پیش‌برنده امر خلافت را تبیین و تحلیل می‌کند. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۵۸)

ویژگی های روش پژوهش مادلونگ عبارت است از: توجه به منابع اصیل و معتبر اسلامی و شیعی، تفکیک منابع (تفکیک منابع امامی از منابع دیگر فرقه های شیعی، تفکیک منابع به لحاظ موضوعی مانند کلامی، تفسیری و حدیثی) توجه به فضا و تاریخ حوادث و آموزه ها، فهم آموزه ها در راستای یک نظام فکری، اشراف نسبتاً کامل به ابعاد گوناگون اسلام، شناخت دقیق دانشمندان و آثار معتبر و تسلط به زبان عربی. (ر.ک: تقی زاده داوری و بهشتی مهر، ۱۳۹۳: ۲۳-۹۴) همچنین استفاده زیاد از منابع، شناخت دقیق عالمان و متکلمان برجسته شیعی، نگاه جامع و نظام مند به تشیع و استفاده از منابع مستشرقان بر اهمیت پژوهش های وی افزوده است. (تقی زاده داوری و بهشتی مهر، ۱۳۹۳: ۲۳-۹۴) نیز می توان گفت تأکید و توجه به شاهدان حوادث تاریخی و دقت در تعصبات قبیله ای از ویژگی های روشی مادلونگ است و این رویکرد در پژوهش های فقهی مادلونگ و از جمله در مقاله وی نیز مشهود است که در بخش نقد آن بررسی خواهد شد.

برخی تحقیقات مادلونگ تک نگاری موضوعی است؛ مانند تحقیق درباره موضوع شیعه (Madelung, 1997: 7) و امامت (1995) و پاره ای از آثارش تک نگاری شخصیت هاست؛ مانند تحقیق در مورد هشام بن حکم (1986)، کثی (1997) کلینی (1986) و دیگر افراد مؤثر در تاریخ سلام و حفظ میراث مکتوب. زمانی نیز با محوریت اختلافات فرقه ای می نویسد؛ مانند منابع اسماعیلیه (1976) و مقاله مورد بحث در این نوشتار که اختلاف جایگاه زنان در فقه شیعه و اهل سنت نیز اختلافات فرقه شیعی در فقه زنان بررسی می شود.

مادلونگ در مواردی افراد را بر اساس مطالعات پیرامونی معرفی می کند و با توجه به نوع نقش ها در حوادث تحلیل می کند؛ مانند این که معتقد است خویش گرایی عثمان از همان آغاز خلافت او بوده و قصد موروثی کردن خلافت برای فرزندش عمرو

را داشته که با مانع برخورد می‌کند؛ از این رو زمینه جانشینی زبیر را فراهم می‌کند (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۱۲۷) و در موارد دیگری آنان را بر اساس تعریف و باور پیروان و علاقه‌مندان به آنها معرفی می‌کند.

به اعتقاد رابرت گلیو، مطالعات اخیر در مورد عامل احتمالی تعیین‌کننده هویت تشیع عمدتاً تحت تأثیر کتاب ارزشمند ویلفرد مادلونگ، **جانشینی محمد (ص)**، بوده است و مادلونگ، بدبینی عدم امکان بازیافت وقایع تاریخی را که تحلیلگران متن به آن معتقدند، رد کرد. مادلونگ متون باقی‌مانده از قرون اولیه اسلامی را برای استخراج وقایع تاریخی مناسب در نظر می‌گیرد و از نظر او نفی کلی منابع تحت عنوان افسانه‌هایی که بعداً ساخته شده، قابل قبول نیست، بلکه با استفاده محتاطانه از آن‌ها می‌توان تصویر دقیق‌تر و مطمئن‌تری از تاریخ آن زمان نسبت به آنچه تاکنون تصور می‌شده، به دست آورد. نتیجه‌گیری مهم او برای مطالعه تشیع این است که علی (ع) خود را در جایگاه کسی که از طرف پیامبر (ص) تعیین شده بود در نظر می‌گرفت و چنین نظری بر پایه اعمال پیامبر (ص) و آنچه به طور عموم در جزیره‌العرب مرسوم بود، امری مورد قبول بود. گرچه مادلونگ چنین نتیجه می‌گیرد که خلافت، حق علی (ع) بوده و برای آن شواهدی می‌آورد، اما آنچه از کتاب **جانشینی محمد (ص)** انتظار می‌رود، به موضوع «امامت به نصب و نص» از نظر شیعه اشاره نمی‌کند و غدیر خم در آن بسیار کم‌رنگ است. (رابرت، ۱۳۹۲: ۲۳۷) اما اشکالات روشی مادلونگ عبارتند از:

۴-۱- ارجاع به منابع غیراصیل و متأخر

مادلونگ در بخش متعه مقاله هشت ارجاع دارد که همگی پشت سرهم به کتاب art Mut'a in E.I. (متعه) نوشته W. Heffening ارجاع داده شده است و در میان این ارجاعات دو روایت هست که باید به منابع متقدم شیعی ارجاع داده می‌شد. وی روایت گفت‌وگوی ابوجعفر صاحب الطاق و ابوحنیفه را نیز گرچه در متن اشاره به منبع

آن (کافی) کرده، اما در پی نوشت‌ها به همان کتاب متعه هفنینگ ارجاع داده است. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۱ و ۸۷)

بدیهی است در صورت مراجعه به ابواب یا باب متعه در منابع روایی متقدم روایی، دیگر روایات نیز دیده می‌شد و چنین شتاب‌زده تحلیل نمی‌شد. کلینی ۱۶ باب برای متعه آورده است و بسیاری از روایات این بخش در تضاد و تعارض با یکدیگر است و نمی‌توان به راحتی و بدون کاربرد قواعد اصولی مانند تعادل و تراجیح آنها را مستند بحث قرار داد. همچنین در مسائل فقهی ارجاع به دیدگاه‌های فقه‌های هر عصری ضرورت دارد، به ویژه در فقه شیعی که فقه پویا بوده و عنصر زمان و مکان در آن بسیار تأثیرگذار است.

۴-۲- برخورد گزینشی در کاربرست روایات

در بخش متعه مادلونگ به طور گزینشی از روایات استفاده کرده و از آنچه در بردارنده معنای مذمت یا محدودیت است استفاده می‌کند. روایتی از امام صادق (ع) در مورد ازدواج موقت با دختر باکره آورده که «یکره للعیب علی أهلها». (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۰؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۵/۴۶۲) نیز از امام کاظم بدون ذکر سند می‌آورد: کسی که قدرت ازدواج ندارد با متعه عفت خویش را حفظ کند و فردی که همسر دارد، ولی از او دور است متعه بروی مباح است؛ (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۰) بنابراین مطلقاً مباح نیست. وی این روایت را از کتاب متعه نگاشته W. Heffening نقل می‌کند و به منابع اصلی شیعی ارجاع نمی‌دهد.

در واقع مادلونگ از طیف روایات مقابل که در بردارنده مضمون تأییدی برای متعه است، استفاده نکرده است. این که آیا حق با موافقان متعه است یا مخالفان آن، امر دیگری است، اما بهره‌مندی گزینشی از روایات در آثار مادلونگ و به ویژه در مقاله مورد

نظر از آسیب‌های جدی پژوهش وی در مقاله است.

۳-۴- ارائه داده‌های بدون استناد

در بسیاری از موارد در مقاله مطالب مهم و اساسی بدون ارجاع دیده می‌شود؛ مانند «گرچه پیامبر متعه را سرانجام منع کرد، اما هنوز برخی از اصحاب، آن را مشروع دانسته و انجام می‌دادند» یا «بنا به نقل زهری، خلیفه دوم آن را نوعی فحشا خواند و شدیداً تقبیح کرد». (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۰) اگرچه ممکن است با جست‌وجو بتوان مدرک برخی سخنان وی را یافت، نبود مستندات و ارجاعات در مطالبی که پایه اصلی بحث است از کاستی‌های یک اثر پژوهشی محسوب می‌شود. از سوی دیگر روایاتی را منسوب به صادقین دانسته و به کتاب کافی ارجاع داده است. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۱ و ۸۷) وقتی می‌گویند منسوب، اشکال وی به بانیان فقه برمی‌گردد که روایت غیرصحیح را مستند حکم فقهی قرار داده‌اند.

۴-۴- تحلیل‌های متضاد در مواضع متفاوت

به اعتقاد مادلونگ فقه شیعه مقررات سختی برای طلاق دارد، اما فقه اهل سنت چنین نیست و همین مسئله منزلت بهتری برای زن در نگرش شیعه را برمی‌تابد. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۳) وی محکومیت طلاق بدعی و ظلم به زنان را به سخنان ائمه (ع) استناد می‌دهد و ریشه آن را در آموزه‌های معصومان می‌داند، اما در یک چرخش اندیشه‌ای کامل، اختلاف در این حکم را ناشی از برخوردهای سیاسی و اعتقادی شیعیان با نهادهای سیاسی و امت در صدر اسلام می‌داند. وی به این پرسش که آیا اختلافات فقهی در مورد طلاق حاکی از نگرش شیعه و سنی نسبت به زن است، پاسخ منفی داده و معتقد است رد اعتبار طلاق البدعه از دیدگاه امامیه بیشتر نمایانگر آمادگی مؤسسان آن در بریدن از نهادهای سیاسی امت اسلامی و برخی رسوم اجتماعی

آن است تا اتخاذ نگرش متفاوت به زن. همچنان که وی ریشه اختلاف و جایگاه والای زن در فقه شیعه را به حق علی (ع) و سزاوار خلافت بودن آن می زند و می گوید: اعتقاد شیعیان امامیه به این حق علی و فاطمه و اعقاب آنان اکنون تفسیر صریح جدیدی از ساختار خانواده را مطرح می سازد و برای زن مقام و جایگاه والاتری از آنچه در اهل سنت است می سازد. (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۸۳)

در مجموع به نظر می رسد به دلیل ارجاع به منابع متقدم و بسنده کردن به منابع متأخر و دست چنبدم در بیشتر ارجاعات حوزه شیعه شناسی، خوانش تاریخ محوری برخی آثار کلامی شیعه در قرون میانه و برجسته سازی و تک فاکتوری تلقی کردن مبحث وراثت در خلافت که در مقاله یادشده نیز در بخش تباین وراثت و بخش پسرعموی ابوینی و امتیاز برای خلافت نمود یافت، نیز کم توجهی به شیوه ها و روش های علمی فقها و علمای شیعی، اشکالات روشی فوق در آثار مادلونگ مشاهده می شود.

۵- نتیجه گیری

مادلونگ در مقاله «نگرش شیعه به زن در آینه فقه» با روش تاریخی، ریشه اختلافات شیعه و اهل سنت در فقه زنان و به طور خاص در سه مورد مطالعاتی متعه، طلاق البدعه و ارث را ناشی از علایق صرفاً شیعی دانسته و آموزه ها و احکام فقهی شیعه را نوعی کنش معترضانه سیاسی و اعتقادی فقهای شیعه برای مقابله با بدعت های خلفا، به ویژه خلیفه دوم و بازگشت به سنت پیامبر و تمسک به معیارهای اخلاقی قرآن می پندارد. وی بر این باور است که شیعیان امامیه در پی علاقه و گرایش به حق علی و فاطمه و اعقاب آنان، اکنون تفسیر صریح جدیدی از ساختار خانواده را مطرح می کنند و برای زن مقام و جایگاه والاتری از آنچه در اهل سنت است می سازند. ارائه تصویر مناسبی از جایگاه زن در فقه شیعه به نسبت فقه اهل سنت و بهره مندی از منابع شیعی در بیان دیدگاه های فقهی شیعه از محاسن مقاله حاضر است، اما

تحلیل‌های مادلونگ را به لحاظ روش می‌توان به نقد کشید. از نظر روشی ارجاع به منابع غیراصیل و در مواردی محدود بودن ارجاعات، برخورد گزینشی در استفاده از روایات و منابع که گاه مایه بهره‌مندی از روایات ضعیف شده و نویسنده بدون ارزیابی سندی و دلالتی به آنها استناد کرده، ارائه مطالب بدون استناد و نیز ارائه تحلیل‌های متضاد از جمله اشکالات روشی مقاله مادلونگ است. روشن است که در صورت بهره‌مندی از منابع اصیل و دست اول شیعی و ارائه مستندات روایی، فقهی و تاریخی محکم‌تر، ادعاهای مطرح‌شده در مقاله قابلیت و مقبولیت بیشتری در جامعه علمی شیعه می‌یافت.

منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. ابن حنبل، احمد. (بی تا). **مسند احمد**. بیروت: دارصادر.
۴. اراکی، محمدعلی. (۱۳۷۱). **توضیح المسائل**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. استنفورد، مایکل. (۱۳۸۴). **درآمدی بر تاریخ پژوهشی**. ترجمه مسعود صادقی. تهران: سمت و دانشگاه امام صادق (ع).
۶. اصفهانی، ابوالفرج. (بی تا). **محاضرات الادبا**. بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاه.
۷. ایزاک، استفن و ویلیام. ب. مایکل. (۱۳۷۴). **راهنمای جامع تحقیق و ارزیابی**. ترجمه مرضیه کرمی نیا. مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۸. بحرانی، یوسف. (۱۴۰۹). **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱). **صحیح البخاری**. بیروت: دار الفکر للطباعه والنشر والتوزیع.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۷). **صحیح بخاری**. تحقیق: مصطفی دیب البغا. بیروت: دار ابن کثیر.
۱۱. بغدادی، ابوالفرج عبدالرحمن بن شهاب الدین. (۱۴۲۲). **فتح الباری فی شرح صحیح البخاری**. تحقیق ابومعاذ طارق بن عوض الله بن محمد. السعودیه: دار ابن الجوزی.
۱۲. تقی زاده داوری، محمود و احمد بهشتی مهر. (۱۳۹۳). «بررسی روش ها و ویژگی های پژوهشی ویلفرد مادلونگ و مطالعات شیعی». **پژوهش های فلسفی - کلامی**. سال ۱۵. شماره ۶۰. ص ۲۳-۴۴.
۱۳. جصاص، احمد بن علی. (بی تا). **احکام القرآن**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۴. حسن زاده، رمضان. (۱۳۸۲). **روش های تاریخی در علوم رفتاری**. تهران: ساوالان.
۱۵. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰). **منهاج الصالحین**. قم: مدینه العلم.
۱۶. رحمتی، فاطمه. (۱۳۹۷). **تحلیل روش شناسی مطالعات ویلفرد مادلونگ در حوزه کلام امامیه**. پایان نامه دفاع شده در دانشگاه ادیان و مذاهب.

١٧. رضايي، اسدالله؛ حسين رجبى و رضا اسلامى. (١٣٩٥). «بررسى تطبيقى طلاق بدعى در فقه اماميه و حنفيه: مبانى و راهكارها». *دوفصلنامه پژوهشنامه مذاهب اسلامى*. دوره سوم. شماره ٦. ص ٧٥-٩٥.
١٨. رضوان، زينب. (٢٠٠٤). *المرأة بين الموروث والتحديث*. قاهره: الهيئه المصرىه العامه للكتاب.
١٩. زمخشري، محمود بن عمر. (بى تا). *الكشاف عن حقائق التنزيل*. بيروت: دار احياء التراث.
٢٠. سهيلي، عبدالرحمن بن عبدالله بن احمد. (١٤٢١). *الروض الأنف فى شرح السيره النبويه لابن هشام*. تحقيق: عمر عبدالسلام السلامى. بيروت: دار احياء التراث العربى.
٢١. سيوطى، عبدالرحمن. (١٩٩٣). *الدر المنثور*. بيروت: دارالفكر.
٢٢. الشريف المرتضى، على بن حسين. (١٤١٥). *الانتصار فى انفرادات الإماميه*. قم: مؤسسه النشر الإسلامى.
٢٣. الشوكانى، محمد بن على بن محمد. (بى تا). *فتح القدير*. تحقيق دكتور عبدالرحمن عميره. بيروت: دارالفكر.
٢٤. شيخ طوسى، محمد بن حسن. (١٣٦٥). *تهذيب الاحكام*. تهران: دارالكتب الاسلاميه.
٢٥. شيخ طوسى، محمد بن حسن. (بى تا). *الاستبصار*. تهران: دارالكتب الاسلاميه.
٢٦. طبرى، محمد بن جرير. (١٤٠٥). *جامع البيان*. بيروت: دارالفكر.
٢٧. الطحاوى، احمد بن محمد بن سلامه. (١٣٩٩). *شرح معانى الآثار*. تحقيق محمد زهرى النجار. بيروت: دارالكتب العلميه.
٢٨. طيالسى، ابوداود. (بى تا). *مسند ابى داود الطيالسى*. تحقيق دكتور محمد بن عبدالحسين التركى. بيروت: دارالمعرفه.
٢٩. العاملى (شهيد ثانى). زين الدين على. (١٤١٦). *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*. قم: تحقيق و نشر مؤسسه المعارف.
٣٠. العاملى، محمد بن الحسن الحر. (١٤١٤). *تفصيل وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه*. بيروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
٣١. فخر رازى، ابوعبدالله محمد. (١٤٢١). *التفسير الكبير*. بيروت: دارالمكتب العلميه.
٣٢. فرامرز قراملكى، احد. (١٣٨٠). *روش شناسى مطالعات دينى*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامى رضوى.

۳۳. القسطلانی القتیبی المصری، احمد بن محمد بن ابی بکر بن عبدالملک. (۱۳۲۳). **ارشاد الساری فی شرح بخاری**. مصر: لمطبعة الكبرى الأميرية.
۳۲. قمرزاده، محسن و مجید کرباس فروشان. (۱۳۹۳). «ترجمه و نقد مقاله مادلونگ با عنوان "علی الرضا" فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث سفینه. سال ۱۱. شماره ۴۲. ص ۸۴-۱۱۲.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲). **الکافی**. تحقیق و تعلیق علی اکبر غفاری. [بی جا]. دار الکتب الاسلامیه. الحیدریه.
۳۵. الکاسانی، علاءالدین. (۱۹۸۶م). **بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع**. بیروت: دار الکتب العربی.
۳۶. گلیو، رابرت. (۱۳۹۲). «آخرین تحقیقات در مورد تاریخ تشیع نخستین». ترجمه مجید منتظر مهدی. **امامت پژوهی**. سال ۳. ش ۱۱. ص ۲۳۵-۲۶۲.
۳۷. مادلونگ، ویلفرد. (۱۳۸۷). **مکتبها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه**. ترجمه جواد قاسمی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۸. مادلونگ، ویلفرد. (۱۳۸۸). **جانشینی [حضرت] محمد (ص) پژوهشی پیرامون خلافت نخستین**. ترجمه احمد نمایی و دیگران. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۹. مدرسی طباطبایی، حسین. (بی تا). «مقاله سیادت از سوی مادر؛ زمینه‌های اجتماعی پیدایش یک نظر فقهی». **تاریخیات؛ مجموعه مقالات و تحقیقات تاریخی**. ص ۷۵-۱۵۰.
۴۰. مسلم بن حجاج نیشابوری. (بی تا). **صحیح مسلم**. تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۱. موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۴۲۶). **رساله توضیح المسائل**. تحقیق مسلم قلی پور گیلانی. [بی جا، بی نا].
۴۲. نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۲). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**. بیروت: مؤسسه المرتضی العالمیه و دارالمورخ العربی.
۴۳. نسایی، احمد بن شعیب. (۱۴۱۱). **السنن الكبرى**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۴. نووی، یحیی بن شرف بن مرّی. (۱۳۹۲). **صحیح مسلم بشرح النووی**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۵. النیشابوری، مسلم. (بی تا). **صحیح مسلم**. بیروت: دار الفکر.

46. schacht, Joseph. (1953). *The Origins of Muhammadan Jurisprudence* 2. ed, Oxford: Oxford University Press
47. Madelung, Wilferd. (1976). «The sources of Isma'ili law». *Journal of Near Eastern Studies*, vol. 35.
48. _____. (1997). *The Succession to Muhammad*. London: Cambridge University Press.
49. _____. (1997). «SHIA». *The Encyclopaedia of Islam*. 2nd edition. vol. 9. Leiden: Brill.
50. _____. (1995). «IMAMATE». *Encyclopedia of Religion*. 2nd ed. Jones Lindsay, vol. 7, Detroit: Macmillan Reference.
51. _____. (1986 (a)). «AL-KULAYN». *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition vol. 5. Leiden: Brill.
52. _____. (1986 (b)). «HISHM B. AL-AKAM». *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition. vol. 3, Leiden: Brill.
53. _____. (1997 (c)). «KASHSHI». *The Encyclopaedia of Islam*. 2nd edition, vol. 4, Leiden: Brill.
54. _____. (1987). *Religious Schools and Sects in Medieval Islam*. London: Variorum Reprints
55. _____. (1987). *Shi'i Attitudes Toward Women as Reflected in 'fiqh'*, Afaf Lutfi al-Sayyid-Marsot, ed. *Society and the Sexes in Medieval Islam*. Malibu: Undena Publications.